

تحلیل و نقد دیدگاه مایکل کوک در خصوص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در منابع حدیثی شیعه



پری چرم دوزا محمد محقق^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

چکیده:

امر به معروف و نهی از منکر از فروغ دین و بر خواسته از تعالیم قرآن، سیره‌ی پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار  بوده و یکی از پایه‌های اصلی تفکر شیعه را شکل می‌دهد که درباره‌ی آن کتاب‌ها و رساله‌های زیادی نوشته شده است. مستشرقان نیز از قرن ۱۲ میلادی شروع به بحث و بررسی آیات و اعتقادات اسلامی کرده‌اند. در دوران معاصر با ایجاد زمینه‌های پیش آمده از جمله علم‌گرایی، رویکرد مستشرقان؛ علمی و اثربخش شده است. از جمله کسانی که در این باره کتاب نوشته مایکل کوک است. کتاب وی با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» ترجمه شده است. کوک بر این عقیده است که در دو کتاب از منابع حدیثی چهارگانه‌ی شیعه، تنها بیست حدیث در مبحث امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد؛ که نیمی از این احادیث شامل پند و اندرز و بدون محتوای عقیدتی است و این احادیث بر اهمیت نهی از منکر و زوال آن در آینده، تأکید دارد. از آنجا که منابع حدیثی شیعه در مقایسه با منابع حدیثی اهل سنت از جهت حجم و تدوین احادیث، مقدم بوده و مستقل از اهل سنت عمل کرده است، با تتبع در این منابع می‌توان به احادیث زیادی درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر و آثار انجام یا ترک آن دست یافت. به نظر می‌رسد یکی از عوامل طرح چنین دیدگاه‌هایی، عدم دسترسی به منابع حدیثی شیعه در این باره است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و جستجوی کتابخانه‌ای و مجازی تنظیم شده است.

واژه‌گان کلیدی: مایکل کوک، شیعه امامیه، امر به معروف و نهی از منکر، مستشرقین

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن کریم

razekhoon@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

mohebeali86@yahoo.com

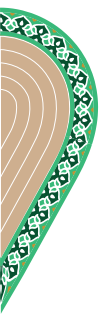


مقدمه

جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در مکتب اسلام به گونه‌ای است که افراد جامعه را در قبال یکدیگر متعهد و مسئول می‌داند، به طوری که ما در ادیان دیگر شاهد این مسئولیت‌پذیری از ناحیه‌ی افراد جامعه نیستیم ولی در مکتب اسلام این فریضه نزد مسلمانان به عنوان یک تکلیف الهی و مؤثرترین ابزار برای اجرای اصول و قوانین اسلام به شمار می‌آید و مسلمانان خود را نسبت به اجرای این فریضه مسئول می‌دانند. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَلَا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْمَسْئَلَةُ عَلَى مَا كُنْتُمْ لِأَعْمَالِكُمْ تَارِكِينَ بِالْحَقِّ؟» (ورام، ۱۳۶۹، ج۱، ۶)؛ همه‌ی شما سرپرست هستید و همه‌ی شما درباره‌ی زیر دستانتان بازخواست خواهید شد.

همچنین این امر نزد خداوند از جایگاه رفیعی برخوردار است. چنانچه در آیات قرآن، امر به معروف و نهی از منکر تحت عناوین مختلف آورده شده و مورد عنایت ویژه‌ی پروردگار بوده است. خداوند می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱)؛ مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌نمایند، خداوند به زودی آن‌ها را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد خداوند توانا و حکیم است.

تأکیدهای مکرر قرآن و ائمه حاکمی از اهمیتی است که اسلام به این دو فریضه‌ی الهی داده است چنانچه برپایی سایر فرائض را وابسته به اقامه‌ی این دو فریضه دانسته و رها کردن این امر خطیر را سبب هلاکت جامعه می‌دانند. در اهمیت اجرای این امر در دین اسلام باید گفت ائمه علیهم السلام، نهایت دین‌داری را عمل به این فریضه می‌دانند چنانچه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «غایة الدین الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و إقامة الحدود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۴۶۹)؛ نهایت دینداری انجام امر به معروف و نهی از منکر است. در سده‌های اخیر، توجه و علاقمندی پژوهشگران غربی پیرامون معارف و علوم اسلامی، سبب پیدایش برخی آثار شده است. از جمله‌ی این پژوهشگران می‌توان به مایکل کوک اشاره کرد. وی نویسنده‌ی کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی است که به بررسی این موضوع در میان ادیان توحیدی و غیر توحیدی و همچنین فرق اسلامی



پرداخته است. هر چند این تحقیقات نشان از تتبع وی در منابع اسلامی دارد و شیعه را از پربارترین اسناد در این مقوله معرفی میکند؛ اما دیدگاه وی در بخش امامیه، حاکی از محدودیت احادیث شیعه در کتب روایی درباره‌ی این فریضه‌ی مهم است. از آنجایی که او به همه‌ی منابع شیعه دسترسی و اشراف نداشته، با رجوع به منابع اهل سنت، شیعه را در بحث روایی؛ مستقل از اهل سنت ندانسته است.

با توجه به استقبالی که از این کتاب به عمل آمده و این کتاب در سال ۱۳۸۵ از سوی بیست و چهارمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی مورد تشویق قرار گرفت و جایزه‌ی جشنواره بین المللی فارابی را در سال ۲۰۰۸ میلادی دریافت نموده است؛ برخی از مطالب آن نیاز به نقد و بررسی دارد تا از ایجاد شبهه نسبت به محدودیت احادیث شیعه در مقابل اهل سنت و منفعل بودن شیعیان در انجام این فریضه‌ی الهی جلوگیری شود.

پیشینه‌ی تحقیق:

تاکنون هیچ نگاشته‌ی (پژوهشی) مستقلی در این باره نوشته نشده ولیکن درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی نوشته شده است. در این میان برخی به توصیف و تحلیل فصول کتاب مایکل کوک پرداخته‌اند؛ که می‌توان به کتب، «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» از سید حسن اسلامی، «امر به معروف و نهی از منکر» از مهدی احمدی، «تأملی در امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» از محسن رجبی، «گزارش جامعی از کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» از محمد باقری اشاره کرد. ولی نگاشته‌ای که به صورت مستقل به نقد یکی از موضوعات کتاب پرداخته باشد وجود ندارد.

روش تحقیق:

در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و مجازی، احادیثی که مربوطه به امر به معروف و نهی از منکر است در دیگر ابواب فقهی گردآوری و دسته بندی شده است. از جهت دیگر تقدم حدیث نگاری شیعیان بر اهل سنت در تاریخ حدیث اشاره شده است.

انگیزه‌ی مایکل کوک از نوشتن کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه‌ی اسلامی:

مایکل کوک مستشرق و اسلام‌شناس غربی است که تابعیت آمریکایی انگلیسی دارد. او در دانشگاه کمبریج به تحصیل در زمینه‌ی تاریخ انگلستان و اروپا پرداخت و همچنین علاوه



بر زبان‌های رسمی اروپایی و عربی، زبان‌های ترکی و فارسی را فراگرفت و به مدت چند سال در دانشگاه لندن به تدریس تاریخ اسلام مشغول بود. آثار وی در زمینه‌ی تفسیر، فقه، حدیث، تاریخ کلام اسلامی و تاریخ ظهور اسلام است.

مایکل کوک با روزنامه‌ای روبه‌رو می‌شود که در آن خبر از حادثه‌ی غیراخلاقی می‌دهد. در این حادثه در ایستگاه قطار شیکاگو زنی مورد تعرض قرار می‌گیرد و حاضرین در آن مکان نسبت به کمک خواهی زن اقدامی نمی‌کنند و متجاوز به راحتی از صحنه فرار می‌کند. در میان کسانی که در این حادثه حضور داشتند فقط یک نفر با پلیس همکاری کرده و دیگران نسبت به این حادثه عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. مایکل کوک به دنبال این واقعه در بی‌اعتنایی مردم نسبت به این حوادث چنین می‌گوید: «آدمی نمی‌تواند فقط در کناری بایستد و ببیند زنی در منظر عام مورد تجاوز قرار گیرد. ما احساس می‌کنیم به نوعی وظیفه داریم علاوه بر آن که خود باید به شایستگی رفتار کنیم، دیگران را نیز از ارتکاب کارهای ناشایست نسبت به هم‌نوعان خود بازداریم؛ اما در زندگی روزمره، عنوانی برای این وظیفه نداریم. هنوز به تدوین کلی مواردی که باید آن را به کاربریم و شرایطی که از انجام آن معافیم، نپرداخته‌ایم. حقوق‌دانان و فیلسوفان ما بحث‌هایی دارند که ما در مواردی وظیفه‌ای برای امداد و نجات داریم، اما این بحث مهجورتر از آن است که به‌عنوان فرهنگ ما، به تفصیل توصیف شود. اسلام، برعکس، نام و تعالیمی ویژه برای چنین وظیفه‌ی اخلاقی گسترده دارد و نام آن امر به معروف و نهی از منکر است... من چیزی در این مورد نمی‌دانستم تا اینکه ضمن تحقیقات اسلامی خود از آن آگاه شدم.» (کوک، ۱۳۸۴، ۱۱)

مایکل کوک برای شناخت این وظیفه با مطالعه و مراجعه به ۱۷۰۰ کتاب (که ۱۳۰۰ مورد از آن‌ها مربوط به کتب اسلامی می‌شد) و در طول ۱۲ سال کار مداوم موفق به نوشتن این کتاب شد که شاید جامع‌ترین کتاب در این مقوله باشد.

ساختار کتاب «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»:

ترجمه‌ی این کتاب، در دو جلد تدوین شده است. جلد اول شامل چهار بخش است که بخش اول آن به موضوع امر به معروف و نهی از منکر در قرآن، تفسیرهای قرآنی و حدیث پرداخته است. بخش دوم کتاب به دیدگاه حنبلیان و بخش سوم به دیدگاه معتزله و شیعیان درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر اختصاص یافته است. بخش چهارم نیز

به بررسی این فریضه در فرقه‌ها و دیگر مذاهب اسلامی پرداخته است. کوک در جلد دوم کتاب خود به جایگاه این فریضه در دیگر فرق اسلامی و همچنین جایگاه آن قبل از اسلام و جامعه اسلامی معاصر و همچنین مقایسه‌ی این امر در جوامع توحیدی و غیرتوحیدی پرداخته است.

مایکل کوک در مقدمه‌ی کتاب خود به نکاتی اشاره می‌کند که می‌توان گفت از جمله نقایص کار وی است. کوک بیان می‌کند که خودش را محدود به خواندن فصلی از منابع حدیثی اسلامی کرده که به طور خاص به امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. از همین رو مشخص می‌شود کوک از بررسی دیگر آرای نویسندگان کتاب‌های اسلامی خودداری کرده است. (همان، ۲۱)

تبیین دیدگاه مایکل کوک پیرامون امر به معروف و نهی از منکر در کتب اربعه شیعه:

مایکل کوک در بخش حدیث امامیه بر این عقیده است که در کتاب کافی کلینی: و تهذیب الاحکام شیخ طوسی: بیست حدیث در مبحث امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که نیمی از این احادیث شامل پند و اندرز و بدون محتوای عقیدتی است و این احادیث بر اهمیت نهی از منکر، زوال آن در آینده و... تأکید دارد. (همان، ۴۱۳) وی بر این نظر است در دو کتاب دیگر از کتب اربعه یعنی من لا یحضره الفقیه ابن بابویه: و استبصار شیخ طوسی: و سایر کتب حدیثی شیعه، مطلبی در موضوع امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد. (همان، ۴۱۱) هر چند روایات امر به معروف و نهی از منکر در این دو کتاب و سایر منابع روایی شیعه ممکن است در باب مستقلی بکار نرفته باشد ولی با تحقیق در کتب روایی شیعه به احادیث زیادی در امر به معروف و نهی از منکر می‌توان دست یافت.

این ادعای مایکل کوک مبتنی بر رجوع وی به باب امر به معروف و نهی از منکر در این دو کتاب بوده است و این در حالی است که با پژوهش در کتب اربعه و سایر منابع روایی شیعه؛ دیدگاه وی قابل نقد است.

روایات امر به معروف و نهی از منکر در منابع حدیثی شیعه:

باید توجه داشت که احادیث امر به معروف و نهی از منکر تنها در باب امر به معروف و نهی از منکر خلاصه نمی‌شود. با تتبع در کتب حدیثی شیعه به احادیث زیادی درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌توان دست یافت. با بررسی روایات کتب اربعه و دسته



بندی روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، هر دو اشکال مایکل کوک مبنی بر اندک بودن احادیث امر به معروف و نهی از منکر در کافی و تهذیب الاحکام و نبودن احادیث امر به معروف و نهی از منکر در کتاب‌های من لایحضره الفقیه و الاستبصار و سایر کتب حدیثی شیعه پاسخ داده خواهد شد.

الف: روایات بیانگر امر به معروف و نهی از منکر:

برای آشنایی بیشتر با احادیثی که با موضوع امر به معروف و نهی از منکر در منابع حدیثی شیعه ذکر شده، و پاسخ به شبهه‌ی مطرح شده توسط مایکل کوک در ادامه به معرفی و دسته‌بندی این روایات در منابع شیعه خواهیم پرداخت

۱- معرفی حقیقت امر معروف و نهی از منکر:

مرحوم کلینی در کتاب کافی به بیان حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام پرداخته است که حضرت با بیانی کامل به معرفی امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازند. ایشان امر به معروف و نهی از منکر را، راه انبیاء و صالحان، اعظم فرایض، امان دین از بدعت، سبب تجارت حلال، احقاق حق از ستمگر، آبادانی زمین، انتقام از دشمنان و اصلاح امور دین و دنیا دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۵۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۸۰)

پیامبر صلی الله علیه و آله در بیانی؛ یکی از خصائص حضرت علی علیه السلام را آمر و ناهی بودن ایشان در امر به معروف و نهی از منکر دانسته و چنین می‌فرماید: برای او هشت خصلت است: ایمان بخدا و رسولش، علمش، حکمتش، همسرش، دو سبطش، حسن و حسین، امر به معروفش، نهی از منکرش، قضاوتش از روی کتاب خدا. (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ۱۲۱)

در روایت دیگری؛ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۳۲ سوره‌ی فاطر، اهل بیت علیهم السلام را کسانی معرفی می‌کند که دعوت به راه حق می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند... (صدوق، ۱۴۰۳، ۱۰۵)

۲- جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در بین معارف:

با جستجو در منابع حدیثی می‌توان به روایاتی دست یافت که نقش امر به معروف و نهی از منکر را در بین سایر اعمال عبادی بیان می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای است که سایر فرائض الهی به وسیله‌ی آن برپا می‌شود. (کافی، ج ۵، ۵۶) در حدیثی از امام صادق علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه‌ی سوم فضیلت اعمال قرار داده شده و عکس آن یعنی امر به منکر و نهی از معروف در مرتبه سوم برانگیختن خشم

خدا و از مبغوضترین منکرات است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۵۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۷۶) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: نماز حجزه‌ی خدا است و بیانش آنست که نماز، نمازگزار را مادامی که در نماز باشد از معصیتها منع می‌کند. خدای عز و جل فرموده که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» یعنی بدرستی که نماز باز می‌دارد از کاری که نزد عقلاء قبیح است و از عملی که شرعاً از آن نهی شده باشد. (صدوق، ۱۳۹۸، ۱۶۶)

در روایتی دیگر نیز امام نماز را باز دارنده از فواحش دانسته‌اند. (همو، ۱۳۷۷، ۲۳۶) امام علی علیه السلام در خطبه‌ی همام در وصف متقین می‌فرماید: ... امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، در کارها با جهل و نادانی دخالت نمی‌کنند... (همو، ۱۳۷۶، ۵۷۰) حضرت علی علیه السلام در روایتی ضمن سفارش به این واجب الهی، اکمال امور نزد خداوند را بواسطه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند. ایشان در سفارش خود به محمد بن حنفیه چنین می‌فرمایند: و بیش از سایر مردم اوامر خود را بکار بند و افزون از سایر مردم از ارتکاب آنچه نهی کرده‌ای خودداری کن و مردم را بکار پسندیده بفرمای تا خود از اهل آن باشی، زیرا بکمال رسیدن امور نزد خداوند تبارک و تعالی با امر به معروف و نهی از منکر است. (همو، ۱۴۱۳، ج ۴، ۳۸۷)

۳- اهمیت دعوت به معروف قبل از جهاد:

همانگونه که روشن است، مرحله‌ی آخر امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی عملی است که به ضرب و جرح و در نهایت جنگ و جدال می‌انجامد. در روایات بر لزوم امر و نهی زبانی قبل از جهاد تأکید شده است. در سفارش مهمی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند؛ هدایت و دعوت به ایمان را بهتر از جهاد و جزء برترین چیزها دانستند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۲۸) در واقع ابتدا می‌بایست دعوت به اسلام به عنوان یک معروف صورت گیرد و بعد از آن اگر لازم شد، جهاد انجام شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را قبل از جنگ خیبر این گونه سفارش فرمودند: ... ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ اُخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِيهِ فَوَ اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تَكُونَ لَكَ خُمْزُ النَّعْمِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ۳)؛ آنان را به اسلام دعوت فرمای و حق خداوند بر آنان را برای آنان بازگو کن. قسم به خداوند که اگر یک نفر بدست تو قبل از جنگ هدایت یابد، برای تو بهتر است از شتران سرخ موی.



۴- امر به معروف و نهی از منکر از ستونهای ایمان و نشانه‌ی مؤمن:

امام علی علیه السلام جهاد را به عنوان یکی از ستونهای ایمان معرفی کرده و می‌فرماید: جهاد چهار شعبه دارد که یکی از آنها، امر به معروف و نهی از منکر است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۲۸) با این بیان مشخص می‌شود ارتباط تنگاتنگی بین جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، وجود دارد و گویای ارزش بالای این فریضه‌ی الهی است.

۵- تحذیر بر ترک و سفارش به انجام امر به معروف و نهی از منکر:

یکی از شیوه‌های تربیتی، تحذیر افراد است. پرهیز دادن و ترغیب و سفارش مناسب و به‌جا، سبب بیدار شدن اذهان و استعدادهای نهفته می‌شود؛ لذا امام علی علیه السلام در بیانی ترک امر به معروف و نهی از منکر را که همان ترغیب و پرهیز است؛ سبب چیره شدن بدان و عدم استجابت دعای خوبان برمی‌شمردند. (همان، ج ۷، ۵۲)

۶- امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق خداوند:

در بیان امام باقر علیه السلام، امر به معروف و نهی از منکر نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد. از آنجا که اولین آمر به معروف و ناهی از منکر خداوند است؛ این فضیلتی مهم برای آمران به معروف و ناهیان از منکر به شمار می‌آید که به پروردگار خود اقتدا کرده و در اقامه‌ی این فریضه‌ی الهی بکوشند. ایشان می‌فرمایند: امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوقات خداوند هستند، هر کس آن دو را یاری کند خداوند او را عزیز گرداند و هر کس آن دو را خوار سازد خداوند هم او را خوار نماید. (همان، ج ۵، ۵۹)

۷- امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی‌های اولی‌الامر:

حضرت علی علیه السلام در بیان معیارهای شناخت اولی‌الامر، به یکی از معیارها یعنی امر به معروف اشاره کرده و می‌فرماید: اولی‌الامر را باید با امر به معروف، عدل و احسان شناخت.^۱ (همان، ج ۱، ۸۵)

سلیم بن قیس گفت از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم فرمود: ... دستور داده شده از اولی‌الامر اطاعت نمایند چون آنها معصوم و پاکند و هرگز امر بکار خلاف نمی‌کنند. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۲۳؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۱۳۹)

۱. اغْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولَ بِالرَّسَالَةِ وَ أُولَى الْأَمْرِ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ.

۸- عهد و پیمان علما:

یکی از مهم‌ترین وظایف علما هدایت و ارشاد مردم است؛ که لازمه‌ی انجام این مهم، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: خداوند از علما عهد و پیمان گرفت که امر به معروف و نهی از منکر نمایند. عن یزید بن عبد الله عمّن حدّثه قال: کتب أبو جعفر علیه السلام إلی سعد الخیر: - الی ان قال - وَ الْعُلَمَاءُ فِی أَنْفُسِهِمْ حَانَةٌ إِنْ كَتَمُوا النَّصِيحَةَ إِنْ رَأَوْا تَائِهًا ضَالًّا لَا يَهْدُونَهُ أَوْ مَبْتَأًا لَا يَحْيُونَهُ فَبُئْسَ مَا يَصْنَعُونَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَحَدٌ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقُ فِی الْكِتَابِ أَنْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَنْ يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ . (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ۵۲)

۹- معرفی اهل امر به معروف و نهی از منکر از زبان قرآن:

در روایتی راوی از امام جواد علیه السلام می‌پرسد، اگر در بحث با مخالفان، بگویند حجت خدا قرآن است؛ در پاسخ چه باید گفت؟ حضرت فرمود به آنان می‌گوییم قرآن سخن گو نیست که امر و نهی کند، اما قرآن اهلی دارد که امر و نهی می‌کنند. امام علیه السلام در این روایت، به قرآن ساکت و سخن گو اشاره دارند و ویژگی اهل قرآن را امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کنند. (همان، ج ۱، ۲۴۶)

ب: امر به معروف و نهی از منکر در سیره‌ی پیامبر و اهل بیت:

یکی از راه‌های شناخت اهمیت این موضوع و هم چنین دستیابی به روایات مرتبط با آن بررسی امر به معروف و نهی از منکر در سیره و روش زندگانی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است. درباره‌ی روش و سیره‌ی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در انجام این فریضه‌ی الهی، احادیث فراوانی وجود دارد. بررسی و بیان تمامی این سیره بحث مستقلاً است که فرصتی جداگانه می‌طلبد؛ اما در این بخش به جهت اختصار به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

بر طبق گزارشی از پیامبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت پنج نفر را به علت عدم پرداخت زکات با وجود تمکن مالی، از مسجد بیرون کردند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در آن میان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بود، ناگهان فرمود: به پا خیز ای فلان! بپا خیز ای فلان! بپا خیز ای فلان! تا آنکه پنج نفر را بیرون رانده و فرمودند: از مسجد ما خارج شوید و شما که زکات نمی‌پردازید در این مسجد نماز نگذارید. در این روایت، به همراهی نماز با زکات نیز اشاره شده است.

(همان، ج ۳، ۵۰۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ۱۱۱)



در روایت دیگری، پیامبر ﷺ شخصی را که در بازار مدینه در فروش غذا، جنس نامطلوب به کار برده و خیانت کرده بود، نهی نمودند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۱۶۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۱۳)

پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود: من در قیامت پیامبری خود را بر تو حجت می‌گردانم و تو را مسئول خود می‌سازم و تو هفت چیز را بر ملت خود حجت ساز و ایشان را مسئول خود گردان: برپای داشتن نماز و ادای زکات و فرمان به نیکی و بازداشت از بدی و دادگری میان مردمان. (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ۳۶۲)

در سیره‌ی امام علی علیه السلام هم موارد فراوانی از امر به معروف و نهی از منکر آمده است. در روایتی آمده است که آن حضرت فروشنده‌ی خرمایی که روی جنس را به گونه‌ای و زیر آن را به گونه‌ی دیگر چیده و فروخته بود، با تازیانه مجبور به برگشت پول به خریدار نمودند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۲۳۰) در روایات دیگری به سیره‌ی امام علی علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر بازاریان و فروشندگان اجناس اشاره شده است. (همان، ج ۵، ۱۵۱)

امام صادق علیه السلام بر جماعتی می‌گذاشتند که در حال مخاصمه و جدال با یکدیگر بودند، سه مرتبه با صدای بلند آنها را نهی کردند و فرمودند: از خداوند پروا کنید. (همان، ج ۵، ۵۹، ۶۱)

امام رضا علیه السلام، غلامان خود را که بدون طی کردن اجرت، کارگری را به کار گرفته بودند، تنبیه و یادآوری کردند که من چندین بار شما را از این کار نهی کرده‌ام. (همان، ج ۵، ۲۸۸)

در بیان امام باقر علیه السلام، آمده است: هنگامی که امام عصر ظهور کنند به کتاب خدا عمل خواهند کرد و از منکرات نهی می‌نمایند. (همان، ج ۸، ۳۹۶)

ج: روایات بیانگر احکام امر به معروف و نهی از منکر:

آنچه از آیات و روایات به ما رسیده؛ بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر هر مکلفی تأکید دارد؛ اما همانگونه که روشن است برخی از واجبات به صورت کفایی و برخی به صورت عینی بر همه‌ی مکلفان واجب می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر از واجباتی است که بر همه‌ی مکلفان واجب است؛ اما در صورت انجام برخی، از دیگران ساقط می‌شود. وجوب و نحوه‌ی انجام این واجب کفایی دارای شرایطی است که در رساله‌های عملیه ذکر شده و در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در برخی روایات اشاره شده که امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است.

امام علی علیه السلام در خطبه‌ای فرمود: حق را میان خود بگردانید و نزد من با آن یک‌دیگر را کم‌کم دهید و دست ستمگر نادان را ببندید و بکار نیک دستور دهید و از کار زشت جلوگیری کنید، اهل فضل را قدرشناسید. (همان، ج ۱، ۱۴۲)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه‌ی امت واجب است؟ ایشان فرمودند: نه واجب نیست. علت آن را از ایشان جویا شدند. ایشان فرمود: امر به معروف و نهی از منکر تنها بر شخص توانا و نیرومند که از او اطاعت کنند و معروف و منکر را نیز بشناسد واجب است. امر به معروف و نهی از منکر بر فرد ناتوانی که خود هدایت نشده واجب نیست. (همان، ج ۵، ۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۷۷)

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ جمعیتی نباشد که در میان آنها عمل منکر و ناشایسته‌ای انجام شود و آنان دانسته بی‌تفاوتی نشان دهند و جلوگیری نکنند و سکوت اختیار نمایند جز اینکه بزودی خداوند کیفری از جانب خویش فرستاده و عذابی نازل سازد که همه را فرا گیرد. (صدوق، ۱۴۰۶، ۲۱۶؛ ورام، ۱۳۶۹، ج ۲، ۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ۷۸)

د: روایات بیانگر شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر در کتب اربعه شیعه:

برخی از واجبات مطلق بوده و قید و شرطی ندارند؛ اما برخی دیگر از واجبات مقید یا مشروط به قیود و شرایط خاصی است که امر به معروف و نهی از منکر از این دسته واجبات است. در روایات شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است که به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱- احتمال تاثیر

در روایتی از امام صادق علیه السلام ذکر شده است که ایشان می‌فرمایند: حاکم ظالم از دامنه‌ی امر به معروف و نهی از منکر خارج شده است و این به جهت حفظ جان یا عدم تأثیر این واجب بر حاکم ظالم است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۷۸)

در روایت دیگری، ترس از عدم پذیرش و پیروی، دلیل عدم بیان امام علی علیه السلام در برخی از امور برای مردم، بیان شده است؛ یعنی حضرت علی علیه السلام بیم آن داشتند که مردم اموری را نپذیرند لذا از بیان آن خودداری می‌کردند. (همان، ج ۵، ۵۵۶؛ همان، ج ۷، ۴۶۳)

از امام صادق علیه السلام در مورد معنی سخن خداوند که فرمود: «خود و خاندان خویش را از آتش دوزخ حفظ کنید (تحریم، ۶) پرسیدند؛ که چگونه آنان را حفظ کنیم؟ امام علیه السلام فرمود: بکارهای نیک امرشان کنید و از اعمال زشت نهی‌شان نمائید. گفتند: ما ایشان را امر



و نهی می‌کنیم ولی آنان نمی‌پذیرند، حضرت فرمود: اگر شما آنان را امر و نهی کنید وظیفه‌ی خود را انجام داده‌اید و دیگر چیزی بر عهده‌ی شما نخواهد بود. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ۴۴۲)

در روایتی دیگری آمده است: ریان بن صلت گفت: گروهی در خراسان خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیده گفتند: بعضی از خویشاوندان شما کارهای زشتی انجام می‌دهند، خوبست آنها را نهی کنید. فرمود: چنین کاری نمی‌کنم عرض کردند: برای چه؟ فرمود: چون از پدرم شنیدم فرمود: نصیحت خشن است. (یعنی پذیرش آن دشوار است و قبول نمی‌کنند) (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ۵۸۱)

۲- عدم ضرر و زیان قابل توجه به امر به معروف

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: کسی که متعرض حاکم ستمگر شود و بلایی به او برسد، پاداشی ندارد و توفیق صبر بر بلا به او داده نمی‌شود. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۶۰) همچنین ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند اینها دستورات دین اسلام است برای کسی که بخواهد بدان‌ها پای‌بند باشد و بخواهد خدا او را هدایت کند، ... امر به معروف و نهی از منکر برای کسانی که بدان قدرت دارند و برجان خود و هم‌کیشان خود نترسند، واجب است. (صدوق، ۱۳۶۲، ۶۰۹)

۳- انزجار قلبی و داشتن شجاعت در بیان معروف

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در دل از منکر بیزار و آن را انکار کنید و در راه خدا از سرزنش ملامت گران نهراسید. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۵۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۸۰)

۴- عامل؛ به معروف و بر حذر؛ از منکر

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که در او سه خصلت باشد امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید؛ کسی که عمل کننده به معروف است و ترک منکر می‌کند، عدالت را در آنچه امر به آن یا نهی از آن می‌کند رعایت می‌نماید و در آنچه امر یا نهی می‌کند با رفق و مدارا رفتار می‌نماید. (صدوق، ۱۳۶۲، ۱۰۹) در صورتی که امر به معروف و ناهی از منکر این شرط را نداشته باشد، منافق و دو رو شمرده می‌شود. امام سجاد علیه السلام یکی از نشانه‌های منافق را اینگونه بیان کردند که نهی می‌کند از آنچه خود به جا می‌آورد و امر می‌کند به آنچه خود ترک می‌نماید. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۱۳)

۵- داشتن شناخت، علم و آگاهی نسبت به معروف و منکر:

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید معروف و منکر را بشناسد و نسبت به آنها علم و آگاهی داشته باشد. از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت واجب است؟ ایشان فرمود: نه واجب نیست. در ادامه حضرت فرمود: ... امر به معروف و نهی از منکر تنها بر شخص توانا و نیرومند که از او اطاعت کنند و معروف و منکر را نیز بشناسد واجب است. امر به معروف و نهی از منکر بر فرد ناتوانی که خود هدایت نشده واجب نیست. (همان، ج ۵، ۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۷۷) در صورتی که این واجب طبق شرایط و ضوابط خود انجام نشود، موجب وهن و سستی اسلام و دستورات دینی شده و باعث فرار مردم از دین و نفرت از دین‌داران میشود. برخی افراد، بدون در نظر گرفتن جایگاه و شأن خود اقدام به امر و نهی افراد می‌کنند که ضرر و آسیب سخن گفتن آنان بیشتر از سکوت آنهاست.

ه: اسلوب‌های به پا داشتن امر به معروف و نهی از منکر:

در کتاب مایکل کوک به روایات مربوط به این قسمت اشاره نشده است. در امر به معروف و نهی از منکر رعایت اسلوب‌های آن به اقامه صحیح این فریضه الهی کمک می‌کند. در ادامه به مضمون روایاتی که در این باره وارد شده‌اند اشاره می‌کنیم:

- ۱- رعایت اولویت هنگام تنافی دو حکم؛ (کلینی، ج ۲، ۲۱۶) ۲- دفع منکر بوسیله معروف؛ (همان، ج ۲، ۱۱۲) ۳- سرعت در جزا دادن؛ (همان، ج ۵، ۵۳۷) ۴- جلوه دادن گناه همراه با دوستی در جزا دادن؛ (همان، ج ۸، ۱۶۲) ۵- اول مراقبت بعد مواخذه کردن. (همان، ج ۵، ۲۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۲۱۲)

در امر به معروف و نهی از منکر اسلوب‌هایی وجود دارد که اگر رعایت نشوند موجب می‌شود این فریضه الهی به نحو صحیح اقامه نشوند. این اسلوب‌ها عبارتند از: ۱- پرهیز از افراط و تفریط؛ (کلینی، ج ۵، ۶۵) ۲- ترک همنشینی با اشرار؛ (همان، ج ۲، ۱۸۷) ۳- ترک همنشینی با گنهکاران و اهل معاصی؛ (همان، ج ۸، ۱۵۸) ۴- دوری جستن از اهل بدعت و هوی؛ (همان، ج ۲، ۳۷۴) ۵- پرهیز از سرزنش و عیب جویی؛ (همان، ج ۲، ۳۵۹) ۶- پرهیز از افشای راز؛ (همان، ج ۲، ۲۲۲) ۷- دوری از درگیری و جدال؛ (همان، ج ۱، ۱۶۶؛ ج ۲، ۲۱۳) ۸- پرهیز از یادآوری (منکر) در جمع. (همان، ج ۳، ۳۲۱)



و: روایات بیانگر فوائد برپایی امر به معروف و نهی از منکر:

بسیاری از روایات که درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر در منابع روایی ذکر شده، به بیان فواید و آثار انجام یا ترک این واجب پرداخته است. از جمله فوائد امر به معروف و نهی از منکر عبارت‌اند از: ۱- سبب اصلاح فرد و جامعه می‌شود؛ ۲- سبب محکم شدن ایمان و در هم شکستن نفاق است؛ ۳- محفوظ بودن از عقاب و عذاب؛ ۴- شریک بودن در ثواب انجام معروف. (کلینی، ج ۴، ۲۷)

۱- محکم شدن ایمان و در هم شکستن نفاق

جهاد بر چهار شعبه قرار دارد بر امر به معروف و نهی از منکر و... کسی که امر به معروف کند سبب پشت گرمی مؤمنین می‌شود و کسی که نهی از منکر کند بینی منافق را به خاک می‌کشد.^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۳۱) براساس این روایت، امر به معروف سبب تقویت مؤمن و ناکامی منافق است.

۲- محفوظ بودن از عقاب و عذاب

یکی از فواید نهی از منکر محفوظ ماندن از عقاب الهی است. چنانچه در روایتی از امام ششم علیه السلام نقل شده است؛ در میان بنی اسرائیل عابدی بود که خود را بکار دنیا آلوده نکرده بود. ابلیس نفیری زد و لشکریان گرد او فراهم شدند تا بتوانند فرد عابد را از طریق عبادت گمراه کنند. لذا در طریق این گمراهی شیطانی بر عابد مجسم شد و به طور پیوسته مشغول عبادت شد. عابد از عبادت مستمر شیطان سؤال کرد و پرسید چه چیز سبب نیرو گرفتن تو در نماز شده است؟ شیطان پاسخ داد من گناهی انجام دادم و بعد از آن گناه توبه کردم هر گاه بیاد گناهم می‌افتم بر نماز نیرومند می‌شوم. عابد از شیطان خواست گناه را به او بیاموزد لذا زن فاسدی را به او معرفی کرد ولی در این طریق زن فاسد او را از کید شیطان آگاه کرد و مانع از انحراف عابد شد و او را از ضلالت نجات داد. پس از آن خود زن به موجب این نهی از منکر مورد رحمت خداوند قرار گرفت و مستوجب بهشت شد. (همان، ج ۸، ۳۸۴)

۱. وَ الْجِهَادُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الصَّدَقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَ سَنَانِ الْفَاسِقِينَ فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أُتُوفَ [الْمُنَافِقِينَ] الْكَافِرِينَ.

۳- باز دارنده از عذاب و عقاب

از عبد الرحمن بن سمره از اصحاب پیامبر ﷺ در روایتی مفصل، نقل شده است: روزی نزد رسول خدا ﷺ بودیم؛ فرمود من دیشب عجایی دیدم. عرض کردم یا رسول الله چه دیدی؟ برای ما نقل کن جان ما و اهل و اولاد ما قربان شما. حضرت فرمود:... مردی از امتم را دیدم که مأموران دوزخ او را از هر سو درگرفته بودند و امر به معروف و نهی از منکرش آمدند و او را از دست آنها رها کرده و به ملائکه‌ی رحمت سپردند... (صدق، ۱۳۷۶، ۲۳۰)

عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر:

کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک و از آن دوری کند در کلام ائمه علیهم‌السلام مورد نکوهش قرار گرفته و مستوجب عذاب الهی می‌گردد. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۵۹) عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر بدین شرح است:

۱- عذاب دوزخ

در روایات از ائمه علیهم‌السلام، کسی را که آمر به معروف و ناهی از منکر است ولی در عمل به معروف عمل نمی‌کند و از منکر دست بر نمی‌دارد نهی می‌کنند و چنین فردی را منافق دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۳۹۶) در روایتی دیگر جایگاه چنین فردی طبق آیه‌ی ۹۴ سوره شعراء، دوزخ دانسته شده است. (همان، ج ۱، ۴۷)

۲- شمول عمومی عذاب

هنگامی که همه‌ی افراد جامعه نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بی‌تفاوت باشند عذاب الهی همه‌ی جامعه را در بر می‌گیرد. زیرا افرادی که مرتکب منکر نمی‌شوند ولی نسبت به مرتکبین منکرات بی‌تفاوت هستند؛ هم دچار عذاب الهی خواهند شد. (همان، ج ۲، ۳۱۸)

۳- هلاکت جامعه‌ی دینی

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی ۱۶۵ سوره‌ی اعراف، افراد یک جامعه‌ی دینی را در امر به معروف و نهی از منکر به سه دسته تقسیم می‌کنند. دسته‌ای از آنها گروهی هستند که نه امر و نهی دیگران را می‌پذیرند و نه خود؛ دیگران را باز می‌دارند که ایشان به



هلاکت دچار می‌شوند.^۱ چنانچه در تفسیر آیه تنها گروهی که از عذاب الهی نجات پیدا کردند کسانی بودند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و دو گروه دیگر یعنی صید کنندگان در روز شنبه و کسانی که نسبت به عمل آنها بی‌تفاوت بوده، موعظه نکردند و سکوت کردند به عذابی شدید گرفتار شدند.

۴- دل مردگی

امیر مؤمنان علیه السلام در کلامی می‌فرماید: هر کس نهی از منکر قلبی و زبانی را ترک نماید مرده‌ای زنده نما است. (طوسی، ج ۶، ۱۸۱)

۵- دوری از برکات و نور ایمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعاون در امر به معروف و نهی از منکر را باعث خیر و خوبی و ترک آن را موجب سلب برکات دانسته‌اند. (همان، ج ۶، ۱۸۱)

۶- تسلط اشرار و عدم استجابت دعا

حضرت علی علیه السلام رها کردن امر به معروف و نهی از منکر را سبب تسلط اشرار بر جامعه و عدم استجابت دعا دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۷، ۵۲) همچنین امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: سالی از سال دیگر کم‌باران‌تر نیست؛ ولی خدا آن را هر جا می‌خواهد نازل می‌کند. برآستی چون مردمی نافرمانی کنند؛ خدای عز و جل آنچه باران برای آنها مقدر است را در آن سال از آنها به دیگران گرداند و به بیابان، دریا و کوه‌ها بیارد،... و فرمود در کتاب علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:... چون امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیرو نیکان خاندان من نشوند، خدا بدان آنها را بر آنها مسلط کند و نیکانشان هر چه دعا کنند مستجاب نکند. (صدوق، ۱۴۰۶، ۲۵۲)

۷- گرفته شدن روح ایمان

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است؛ فردی که غیرت بر دفع منکر نداشته باشد و نسبت به آن منکر بی تفاوت باشد و حالش دگرگون نشود روح ایمان از او گرفته می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۵۳۶)

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ «۴» قَالَ كَانُوا ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ اَمْرُوا فَتَجَوُّوا وَ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَمَسُخُوا ذَرَأً وَ صِنْفٌ لَمْ يَأْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَهَلَكُوا. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ۱۵۸) همچنین روایات دیگری با این مضمون وجود دارد. (همان ج ۸، ۳۶)

۸- واژگونی قلب

عبد الله بن ابی یعفر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرگاه مردی غیرت نوزد، دلش وارونه می‌شود. (همان) چنین فردی به امور دین حساسیت نداشته و نسبت به انجام آن هم عکس العمل نشان نمی‌دهد. چنین بی‌تفاوتی نسبت به امور دین؛ واژگونی دل را به همراه دارد.

۹- جابجایی معروف و منکر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر از تغییر ظرفیت‌ها می‌دهند تا آن جا که در نگاه مردم، معروف و منکر جا به جا می‌شوند. (همان، ج ۵، ۵۹)

۱۰- غلبه‌ی دشمن

امام صادق علیه السلام، عدم وعظ و همراهی هدایت‌کننده‌ای که انسان را امر یا نهی کند را، سبب غلبه‌ی دشمن می‌داند. ایشان می‌فرمایند: کسی که واعظی از قلبش و مانعی از نفسش، نداشته باشد و همراه هدایت‌کننده‌ای برای او نباشد، دشمنش بر گردنش سوار می‌شود. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ۴۰۲)

۱۱- ذلیل شدن

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: امر به معروف و نهی از منکر، دو آفریده از آفریده‌های خداوندند. کسی که آن دو را یاری کند (موجبات این دو امر مهم را فراهم سازد)؛ خداوند او را عزیز نماید و کسی که آنها را ترک کند خداوند عزّ و جل ذلیل و خوارش گرداند. (صدوق، ۱۳۶۲، ۴۲)

۱۲- شریک بودن در منکر

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس امر به معروف یا نهی از منکر کند و یا به خیری راهنمایی کند و یا به آن اشاره کند در ثواب آن شریک است و هر کس به چیز بدی فرمان دهد یا به آن راهنمایی کند و یا اشاره کند، در گناه آن شریک است. (همان، ۱۳۸).

۱۳- کم شدن روزی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کودک یا جوان نورسی که در میان قومی پرورش یابد و آنان وی را در گناهی که از او سرزند توبیخ و سرزنش نکنند، نخستین عقوبت و انتقامی که خداوند سبحان از ایشان کشد آنست که؛ روزی آنها را کاهش دهد. (صدوق، ۱۴۰۶، ج ۱، ۲۲۳)



۱۴- مورد لعن خداوند قرار گرفتن

امام علی علیه السلام می‌فرماید: هرگاه جمعیتی اندک؛ عملی زشت را آشکارا انجام دهند و توده‌ی مردم بر ایشان عیب نگیرند و آنان را سرزنش نکنند، هر دو دسته از جانب خداوند متعال مستحقّ عقوبت شوند. همچنین ایشان می‌فرماید: هنگامی که در میان بنی‌اسرائیل سستی پدید آمد چنان بود که مرد؛ برادر دینی خود را مرتکب گناه می‌دید و او را نهی می‌کرد و وی دست برنمی‌داشت، ولی این کار موجب آن نمی‌شد که نهی‌کننده خود را از هم غذایی و همنشینی با مرتکب گناه باز دارد تا اینکه خداوند دل‌های آنها را با یکدیگر مخالف کرد و با هم دشمن نمود و درباره‌ی آنها این آیه را نازل فرمود: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ...» (مائده، ۷۸-۷۹)؛ آنان که از بنی اسرائیل بکفر گرائیدند بزبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند، بدان جهت که نافرمانی کردند و از حکم خدا سرپیچیدند و از کار زشتی که مرتکب بودند دست باز نمی‌داشتند و بسیار بد عملی انجام میدادند. (همان، ج۱، ۲۶۱)

بیان مصادیق معروف در منابع حدیثی شیعه:

از دیگر مواردی که روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در آن آمده است؛ می‌توان به روایاتی اشاره کرد که در آن مصادیق معروف و منکر، شمرده شده است. از مصادیق معروف میتوان به امامت عدل، عدل، کتمان سرّ، مکارم اخلاق و مواردی که در روایات به نیکی یاد شده، اشاره کرد.

۱- امامت عدل

از آنجا که امام عادل از مصادیق معروف است و معروف خود از مصادیق نیکی است؛ امام صادق علیه السلام در بیانی ریشه‌ی نیکیها را که شامل توحید، نماز، روزه، فروخوردن خشم، مهربانی و ... است؛ وجود خود و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام دانسته و ریشه‌ی هر بدی را در وجود دشمنانشان بیان می‌کنند. ابن مسکان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: ما ریشه‌ی هر گونه خیر و خوبی هستیم و همه‌ی نیکیها از شاخه‌های ماست و از جمله‌ی نیکیها یکتاپرستی، نماز، روزه، فرو خوردن خشم، چشم پوشی از تبهکار، مهربانی به کم توشه، دلجویی از همسایه و اعتراف به فضیلت اهل فضل است. و ریشه‌ی هر شر و تباهی دشمنان ما هستند که زشتی و هرزگی از شاخه‌ی آنهاست. زشتی‌هایی مانند دروغ، بخل،

سخن‌چینی، بریدن از خویشاوندان، رباخواری، خوردن مال یتیم، تجاوز به حقوقی که خداوند تعیین کرده، ارتکاب کارهای پنهان و پیدای پلید، زنا، دزدی و دیگر کارهای زشت مانند آنها. و لذا دروغ می‌گوید هر که گمان می‌کند که با ماست لیکن به شاخه‌های دیگری جز ما چنگ می‌افکند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ۲۴۲)

در زیارت جامعه کبیره هم به این مطلب اشاره شده است که فرمود: ... «إِنْ ذُكِرَ الْحَيُّزُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَضَلُّهُ وَ فُرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ...». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ۱۳۲)

همچنین روایت دیگری با این مضمون وارد شده است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۳۷۴؛ صفار، ۱۴۰۴، ۳۳)

۲- عدل

در بیانی از حضرت علی علیه السلام، ایشان راه شناخت اولی الامر را در رفتار نیک، عدالت و احسان آنها دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۸۵) همچنین روایت دیگری با این مضمون از امام صادق علیه السلام وارد شده است. (طوسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ۲۲۳)

۳- کتمان سر

امام صادق علیه السلام در کلامی نسبت به کتمان سر سفارش کرده و یکی از شرایط تشیع را مخفی کردن محبت و ارادت آنها به ائمه اطهار علیهم السلام، از ناهلان دانسته‌اند که از معارف دین به شمار می‌رود. همچنین امام علیه السلام به محبان خود سفارش می‌کنند تا کسانی را که اسرار ایشان را فاش می‌کنند منصرف نمایند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۲۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۴، ۱۴۱)

۴- مکارم الاخلاق

یکی از راه‌هایی که سبب می‌شود شیعیان در امر دین به نتیجه‌ی مطلوب رسند، داشتن حسن خلق است. حسن خلق یکی از صفات برتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دعوت به دین اسلام بوده است. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای تبارک و تعالی پیامبرش را تربیت نمود و چون به آنجا که می‌خواست رسید، درباره‌ی او فرمود: «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴)؛ تو بر خلق بزرگی استواری. سپس امر دینش را به او واگذاشت و فرمود: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر، ۷)؛ آنچه را رسول برای شما آورده بگیرید و از آنچه منع‌تان کرده باز ایستید. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۶۷) همچنین روایت دیگری از امام صادق علیه السلام با این مضمون وجود دارد. (طوسی، ۱۴۰۶، ج ۹، ۳۹۷؛ صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ۳۸۷)

۵- فرمان دادن به نیکی

در روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است؛ ایشان معروف را برابر با بز و نیکی شمرده و اولین کسی که وارد بهشت و حوض کوثر می‌شود را مصداق معروف دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: احسان و نیکی، از محدودهی زکات فریضه خارج است. با احسان و صله‌ی رحم به خداوند عز و جلّ تقرب بجوید.^۱ (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ۲۷؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ۵۵)

بیان مصادیق منکر در روایات شیعه:

همان طور که امامت عدل از مصادیق معروف به شمار می‌آید، امامت جور هم از مصادیق منکر است. از دیگر مصادیق منکر می‌توان به شراب، زنا، قمار و... اشاره کرد.

۱- امام جور

یکی از مصادیق منکر در بیان ائمه علیهم السلام، امام جور است. محمد بن منصور می‌گوید: از امام معصوم راجع بقول خدای عز و جل «و چون کار بدی کنند، گویند پدران خود را مرتکب آن دیده‌ایم و خدا ما را بدان فرمان داده است، بگو خدا بکار زشت فرمان نمی‌دهد چرا درباره‌ی خدا چیزی که نمی‌دانید می‌گویید؟ (اعراف، ۲۸) پرسیدم. فرمود: آیا کسی را دیده‌ای که معتقد باشد خدا به زنا کردن و شراب نوشیدن و مانند این محرمات فرمان داده است؟ عرض کردم: نه فرمود: پس این کار زشتی که ادعا می‌کنند خدا آنها را بدان فرمان داده است چیست؟ عرض کردم: خدا داناتر است و ولیش، فرمود: این مطلب درباره‌ی امامان جور (غاصب امامت) است که مردم ادعا کردند خدا ایشان را به پیروی از مردمی فرمان داده است که خدا به پیروی از آنان دستور نداده؛ پس خدا ادعای ایشان را رد کرده و خبر داده است که درباره‌ی خدا دروغ گفته‌اند و این عملشان را فاحشه (کار زشت) نامیده است.^۲

۱. أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْمَعْرُوفُ وَ أَهْلُهُ وَ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ۲۸)

۲. الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الرِّكَاتِ فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْبَيْرِ وَ صَلَةِ الرَّجْمِ.

۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَ اللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحِشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. قَالَ فَقَالَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِالزَّانَا وَ شَرِبِ الْخَمْرِ أَوْ شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْمَحَارِمِ فَقُلْتَ لَا فَقَالَ مَا هَذِهِ الْفَاحِشَةُ الَّتِي يَدَّعُونَ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَهُمْ بِهَا قُلْتَ اللَّهُ أَعْلَمُ وَ وَليُّهُ قَالَ فَإِنَّ هَذَا فِي أَيْمَةِ الْجَوْرِ ادَّعَوْا أَنَّ اللَّهَ أَمَرَهُمْ بِالْإِتِمَامِ بِقَوْمٍ لَمْ يَأْمُرَهُمُ اللَّهُ بِالْإِتِمَامِ بِهِمْ فَردَّ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فَأَخْبَرَ أَنَّهُمْ قَدْ قَالُوا عَلَيْهِ الكَذِبَ وَ سَمَى ذَلِكَ مِنْهُمْ فَاحِشَةً. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۳۷۳)

۲- شراب، زنا و قمار

شراب، زنا و قمار از مصادیق منکرات هستند. چنانچه خداوند در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی اعراف می‌فرماید: بگو: پروردگار من فقط اعمال زشت ظاهری و پنهانی گناه و ستم به ناحق را حرام کرده است. امام کاظم علیه السلام، در تفسیر آیه، «گناه آشکار» را زنا و آشکار و «گناه باطنی» را یعنی ازدواج با همسر پدران دانسته؛ و منظور از «گناه» در قرآن را همان شراب و قمار بیان فرموده‌اند.

۱- «علی بن یقظین گوید: مهدی عباسی از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا شراب در قرآن تحریم شده است؟ زیرا مردم از نهی از شراب آگاهی دارند، اما تحریم آن را نمی‌دانند. حضرت علیه السلام فرمود: بله در قرآن تحریم شده است گفت: در کجای قرآن تحریم شده است ای ابا الحسن! حضرت پاسخ داد: آن‌جا که خداوند می‌فرماید: «بگو: پروردگار من فقط اعمال زشت ظاهری و پنهانی گناه و ستم به ناحق را حرام کرده است.» منظور از «گناه آشکار» زنا و آشکار و برافراشتن پرچم‌هایی که زنان بدکاره برای انجام زنا در دوران جاهلی می‌افراشتند است و منظور خداوند «از گناه باطنی» ازدواج با همسر پدران است؛ زیرا مردم پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بودند: هنگامی که مردی می‌مرد و زنی داشت که آن زن، مادرش فرزندش نبود، پس از او پسرش با آن زن ازدواج می‌کرد. پس خداوند این ازدواج را تحریم نمود. و منظور از «گناه» شراب است و به‌راستی که خداوند در جای دیگری می‌فرماید: «از تو درباره‌ی شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناه بزرگی است و منافعی برای مردم ندارند.» منظور از «گناه» در قرآن همان شراب و قمار است و گناه آن بزرگ‌تر از منافع آن است.» (همان، ج ۶، ۴۰۶)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام به مصادیق منکر اشاره شده است: «چون پیغمبر مکه را گشود، مردها بیعت کردند، و آنگاه زن‌ها برای بیعت آمدند و خدا این آیه را فرستاد: ای پیامبر چون زن‌ها آمدند با تو بیعت کنند... راستی که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (الممتحنه، ۳). هند گفت: فرزند آن را ما از خردسالی پرورش دادیم و تو در سالخوردگی آنها را کشتی، ام حکیم دختر حارث که زن عکرمه پسر ابو جهل بود گفت: یا رسول الله آن کار خوب که خدا فرموده در آن تو را نافرمانی نکنیم چیست؟ فرمود: سیلی به صورت کسی زنید و چهره نخرائید، مو نکنید و گریبان ندرید و جامه سیاه نکنید و (در

عزاداری) وای نگوئید.» (همان، ج ۵، ۵۲۷؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۳۶۴)



همچنین از مصادیق منکر شرب خمر است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی که مرتکب شرب خمر می‌شد دستور به جاری شدن حد می‌دادند. (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۴، ۱۳۷)

نتیجه‌گیری:

۱. اگر به سیر تاریخی مطالعات مستشرقین در خصوص اسلام و مکتب تشیع دقت کنیم، می‌یابیم، بیشتر مطالعات آن‌ها بر مبنای آثار و تفکر اهل سنت و بیشتر موارد استنادی آنها از منابع دست دوم و سوم است. از این جهت نمی‌توان انتظار داشت شناخت صحیحی از مکتب تشیع داشته باشند. البته رویکرد و موضع‌گیری مستشرقین به مکتب تشیع یکسان نیست. زیرا با اهداف و انگیزه‌های مختلف صورت گرفته است و این رویکرد را در آثار آن‌ها می‌توان دید.

۲. ادعای مایکل کوک مبنی بر محدود بودن احادیث امر به معروف و نهی از منکر در این کتب روایی، تنها با رجوع وی به باب امر به معروف و نهی از منکر این دو کتاب بوده است. در حالی که باید توجه داشت احادیث امر به معروف و نهی از منکر تنها در باب امر به معروف و نهی از منکر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه با تتبع در منابع حدیثی شیعه، به احادیث زیادی با موضوع امر به معروف و نهی از منکر می‌توان دست یافت. این روایات در قالب دسته‌های زیر ذکر شده‌اند:

روایات بیانگر حقیقت امر به معروف و نهی از منکر ۱۸ مورد؛ روایات بیانگر امر به معروف در سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام ۸ مورد؛ روایات بیانگر احکام و وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۴ مورد؛ روایات بیانگر شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۱۰ مورد؛ روایات بیانگر اسلوب‌های به پاداشتن و باز دارنده‌ی امر به معروف و نهی از منکر ۱۳ مورد؛ روایات بیانگر فواید برپایی امر به معروف و نهی از منکر ۴ مورد؛ روایات بیانگر عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر ۱۹ مورد، روایات بیانگر مصادیق معروف ۸ مورد و روایات بیانگر مصادیق منکر ۴ مورد.

۳. از طرف دیگر، میراث حدیثی شیعه در باب امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با اهل سنت حجم زیادی از روایات را به خود اختصاص داده است؛ چنانچه به آنها پرداخته شد.

۴. مایکل کوک در قسمت ارجاعات احادیث امر به معروف و نهی از منکر، در کنار دو کتاب از کتب اربعه، به ذکر منابع اهل سنت پرداخته است. تاریخ نگارش این منابع به



قرون سوم، چهارم و نهم هجری برمی‌گردد. مانند: کنز العمال (۹-۱۰ق)، تنبیه الغافلین (۴ق)، مجمع الزوائد (۷-۸ق) و مسند ابو یعلیٰ موصلی (۳ق). با ذکر تاریخ صدور این منابع از اهل سنت؛ چگونه میتوان ادعا کرد که تقریباً نیمی از احادیث شیعیان در احادیث اهل سنت آمده و برگرفته از آن است. آنچه گفته شد درحالی است که تاریخ تدوین حدیث در شیعه بر تاریخ تدوین حدیث در اهل سنت مقدم بوده و شیعه در این زمینه مستقل عمل کرده است.



کتابنامه

- قرآن کریم.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، **غررالحکم و درر الکلم**، مصحح سید مهدی رجائی، قم: دار الکتب الإسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، **الامالی للصدوق**، تهران: کتابچی.
- _____ (۱۳۹۸ق)، **التوحید للصدوق**، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۰۶ق)، **ثواب الأعمال و عقاب الاعمال**، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- _____ (۱۳۶۲)، **خصال للصدوق**، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۸۵)، **علل الشرایع**، قم: کتاب فروشی داورى.
- _____ (۱۳۷۷)، **کمال الدین و تمام النعمه**، مترجم محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامیه .
- _____ (۱۴۰۳ق)، **معانی الاخبار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام**، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی للطوسی**، قم: دار الثقافة.
- _____ (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الاحکام**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمی**، قم: دار الکتب.
- کوک، مایکل (۱۳۸۴)، **امربه معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی**، مترجم احمد نمایی، مشهد: پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- ورام بن ابی فرس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹)، **مجموعه ورام**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.